

**نگاهی به فیلم «کت چرمی»**

# وجدان بیدار یا عذاب وجدان؟!



است که مخاطب پس از گذشت بخشی از فیلم،

علا با آن همراهی نمی‌کند و نسبت به آن احساس بی تفاوتی دارد. نمی‌تواند این حجم از معضلات را در مورد شخصیت‌ها باور کرده و در نهایت تنها خط داستانی را دنبال می‌کند.

در این موقعیت دیگر سرنوشت شخصیت‌های فیلم برای او اهمیت چندانی نخواهد داشت و اتفاقات ناگوار پیرامون موقعتی آنها، همدلی مخاطب با برنمی‌انگیزد.

بنابراین پس از بیرون از سالن سینما، هیچ حسی نسبت به فیلم و شخصیت‌های آن ندارد.

او که تا نیمه فیلم کارمند تعلیقی سازمان

بهبیستی بوده، پیگیری بیش از حد توان و

وظیفه‌اش نه از سر انسان‌دوستی و حل معضل دختران بی سرپرست، که برای عذاب وجدان

در زندگی شخصی خود است.

او که دختر نوجوانش را با اوردز از دست

داده است، قصد دارد با کمک به این دختران

کمی از عذاب وجدان خود کم کند. فرهند

حس می‌کند به دلیل تندخویی و برخورد نامناسب

حالا شاید بتواند با حل این پرونده به ظاهر

پیچیده که راه‌حلی برای آن وجود ندارد، بار

گناه خود را کم کند.

تعریف انگیزه‌های شخصی و نه اجتماعی

برای شخصیتی مثبت کسه ویژگی مصلحانه

دارد، ارزش‌های انسان‌دوستانه‌ای که فیلم

می‌توانست بر اساس آن قهرمان خود را

تعریف کند، چند پله سقوط می‌کند. او نه

از سرر وظیفه اجتماعی و البته کاری، بلکه

شخصیت‌های آسیب‌پذیر دارد. در این راه تمام

آنچه دارد از موقعیت شغلی یا جایگاه اجتماعی

و تنهایی دارایی‌اش می‌گذرد، اما همه اینها

زیر سایه انگیزه شخصی می‌ماند و فراتر از آن

ارزشی پیدا نمی‌کند.

نکته دیگر در مورد شخصیت عیسی، نوع

رابطه او با همسرش و چند کنایه‌ای است که

بازپرس به او می‌زند. به نظر می‌رسد موضوع

خیانت مطرح است که مشخص نمی‌شود

چرا این مسئله در فیلم به شکل گنگ و

در لافقه باقی می‌ماند. در لافقه ماندن آن و

عدم معرفی درست مناسبات شخصیت‌ها با

بگذرگر می‌توانست مطرح نشود و در صورت

طرح موضوع، پنهان کردن آن از مخاطب کار

عیبی به نظر می‌رسد که در فیلم مانند زانده‌های

بی مصرف، بدون کاربرد در پیشبرد روایت

در حد ابهامی غیرمهم تا پایان باقی می‌ماند.

در کنار این مسئله ترسیم اجتماعی است

که شخصیت‌های زن آن با انواع آسیب‌های

اجتماعی شناخته می‌شوند. از دختر فرهند،

تا ثریا، دختر فریب‌خورده بهزیستی، مادرش

و دختری خانواده مقتول با بازی ستاره

پسیانی، زنان آسیب‌پذیری هستند که تحت

سلطه جامعه مردسالار، امکان تجربه زندگی

سالم و موقفی را نداشتند. آنها برای فرار

از شرایط موجود دست به اقداماتی مخرب

زده و هسر کدام در نهایت رو بسه نابودی و

نیستی حرکت کرده‌اند. در این میان جایگاه

خانوادگی و شرایط اقتصادی نیز تعیین‌کننده

نیوده و هژمونی جامعه فاسد و مردسالار است

که آنها را بر مسیر نابودی قسار می‌دهد. در

چنین جامعه‌ای است که فرهند امید از

اجرای عدالت و ریشه‌کن شدن فساد، شخصا

اقدام کرده و از نسخه دهه چهل کیمیاپی

برای مبارزه استفاده می‌کند. پس از مدت‌ها

تلاش ناموفق برای به دام انداختن یکی از

سرشکبه‌های فساد، در نهایت به این نتیجه

می‌رسد که محاکمه را در خیابان برگزار کند

و شخصا به نابودی عوامل فسادانگیز برخیزد.

تلاشی که در نهایت نیز به موفقیت نمی‌انجامد.

اما نکته مهم این است که سینماگر

جسوان فیلم اولی‌ی پس از گذشت دهه‌ها از

پیشنهاد برخورد شخصی با عوامل فساد،

هنوز به نسخه جدیدتری از برخورد با

ضدقهرمان خود نرسیده و همواره در بر همان

پاشنه‌ای می‌چرخد که بود.